

## بررسی و نقد حدیث «ابوبکر و عمر سیدا کهول

### اهل الجنة»

ناصر صحرانورد<sup>۱</sup>

علی الله بداشتی<sup>۲</sup>

#### چکیده

عالمان اهل سنت برای اثبات اعتقاد خود در مورد افضلیت ابوبکر و عمر بر دیگر صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به روایاتی استدلال کرده اند که یکی از آنها حدیث «ابوبکر و عمر سیدا کهول اهل الجنة» است. در نوشتار حاضر با مفروض گرفتن صحت سند، اثبات کرده ایم که این حدیث به دلیل تفرد نقل اهل سنت، ناسازگاری با روایات جوان بودن اهل بهشت، تعارض با روایت «الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة و تعارض با ادله افضلیت امیرالمومنین علی علیه السلام، قابل پذیرش نیست.

**واژه‌های کلیدی:** سیدا کهول اهل الجنة، سیدا شباب اهل الجنة، افضلیت، جوان بودن اهل بهشت، ابوبکر.

---

۱. ناصر صحرانورد، دانش پژوه سطح چهار، موسسه آموزش عالی امام صادق علیه السلام، دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم. (نویسنده مسئول) رایانامه: [nasersahranavard1120@gmail.com](mailto:nasersahranavard1120@gmail.com)

۲. علی الله بداشتی، استناد تمام گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم. رایانامه: [alibedashti@gmail.com](mailto:alibedashti@gmail.com)

یکی از احادیثی که در بسیاری از کتب روایی و تاریخی اهل سنت نقل شده و در اثبات افضلیت و خلافت ابوبکر و عمر به آن استناد می‌کنند، حدیث: «أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ سَيِّدَا كُفْهُولِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» است. به این حدیث به عنوان یکی از احادیث معارض با ادله روایی امامت و افضلیت امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز استناد شده است. برای روشن شدن حقیقت در این باره، با بهره‌گیری از قواعد رجال و علم حدیث و ضوابط مربوط به دلالت‌های لفظی، سند و دلالت حدیث مزبور را بررسی می‌کنیم.

### ۱. متن‌های مختلف حدیث

این روایت با الفاظ و عبارات‌های مختلفی نقل شده است که عبارتند از:

۲-۱. امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرده است که حضرت فرمود: «أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ سَيِّدَا كُفْهُولِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، إِلَّا النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، لَا تُخْبِرُهُمَا يَا عَلِيُّ مَا دَامَا حَيِّينَ» (ابن ماجه، بی تا، ۱: ۷۱): ابوبکر و عمر سرور میان سالان ۱ اهل بهشت از اولین تا آخرین غیر از انبیاء و رسولان هستند. ای علی مادامی که آن دو زنده‌اند آنها را باخبر نکن.

۲-۲. انس از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرده است که حضرت درباره ابوبکر و عمر فرمود: «هَذَانِ سَيِّدَا كُفْهُولِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ إِلَّا النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ» (ترمذی، ۱۳۹۵ق، ۵: ۶۱۰): این دو نفر سرور پیران اهل بهشت از اولین تا آخرین غیر از انبیاء و رسولان هستند.

سایر طرق، اختلاف چندانی ندارند و مضمون آنها به همین دو مورد بر می‌گردد، لذا به نقل دو مورد مزبور بسنده می‌شود.

### ۲. طرق حدیث

این حدیث از نه نفر از صحابه در طبقه اول و چهارده نفر از تابعین در طبقه دوم نقل شده است.

۱. کهلول از ماده «کهل» به معنای کسی که موی سفید بر سر و رویش ظاهر شده است که گفته‌اند از سی سالگی تا چهل سالگی یا از سی و سه سالگی تا پنجاه سالگی را شامل می‌شود. ر. ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۳: ۳۷۸؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ۵: ۱۸۱۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۵: ۱۴۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۲۸؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ۴: ۲۱۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۱: ۶۰۰.

صحابه‌ای که این روایت به آنها استناد داده شده است، عبارتند از: امام علی علیه السلام (ابن ماجه، بی تا، ۱: ۷۱؛ ترمذی، ۱۳۹۵ق، ۵: ۶۱۱؛ دولاپی، ۱۴۲۱ق، ۳: ۹۶۲؛ طحاوی، ۱۴۱۵ق، ۵: ۲۱۸؛ شافعی، ۱۴۱۷ق: ۵۴؛ ابی شیخ اصفهانی، ۱۴۱۷ق: ۷۱؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱ق، ۱: ۳۲)، جابر بن عبدالله (طبرانی، بی تا، ۸: ۳۴۰)، ابو سعید خدری (طحاوی، ۱۴۱۵ق، ۵: ۲۱۹)، ابو جحیفه (ابن ماجه، بی تا، ۱: ۷۵)، ابن عباس (ابن اعرابی، ۱۴۱۸، ۳: ۹۸۰)، انس بن مالک (مقدسی، ۱۴۲۰ق، ۶: ۲۴)، ابن عمر (ابن بشران، ۱۴۱۸ق، ۱: ۴۱۲)، ابو مریم سلولی (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳ق، ۱: ۳۷۷)، ابوهریره (همان: ۱۸۸).

تابعینی که این روایت به آنها استناد داده شده است، عبارتند از: برید بن ابی مریم (همان: ۳۷۷)، شعبی (همان: ۱۲۳؛ طحاوی، ۱۴۱۵ق، ۵: ۶۱۰)، امام سجاد علیه السلام (ترمذی، ۱۳۹۵ق، ۵: ۶۱۰)، امام باقر علیه السلام (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳ق، ۱: ۲۱۶)، زید بن یثیع (طحاوی، ۱۴۱۵ق، ۵: ۲۱۸)، حارث بن عبدالله همدانی (ابن ماجه، بی تا، ۱: ۷۱؛ ابی شیخ اصفهانی، ۱۴۱۷ق: ۷۱)، عاصم بن ضمره (ابن عساکر، ۱۴۲۱ق، ۱: ۳۲)، هرم والبی (شافعی، ۱۴۱۷ق: ۵۴)، زر بن حبیش (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ۲: ۴۰؛ دولاپی، ۱۴۲۱ق، ۳: ۹۶۲)، قتاده بن دعامة (ترمذی، ۱۳۹۵ق، ۵: ۶۱۰؛ مقدسی، ۱۴۲۰ق، ۷: ۹۶)، عبدالله بن یزید عبدی (همان، ۶: ۲۴۴)، مالک بن مغول (طبرانی، بی تا، ۴: ۲۷۲؛ ابی شیخ اصفهانی، ۱۴۱۷ق: ۷۱)، نافع مولی ابن عمر (ابن بشران، ۱۴۱۸ق، ۱: ۴۱۲)، عطیة عوفی (طحاوی، ۱۴۱۵ق، ۵: ۲۱۹)، عطاء بن اسلم یا عطاء بن یسار (ابن اعرابی، ۱۴۱۸، ۳: ۹۷۹).

### ۳. بررسی اعتبار حدیث

از آنجایی که این حدیث کثرت طرق دارد و مطابق مبنای اهل سنت، کثرت طرق ضعف سندی را جبران می کند، مشمول قاعده شده و بر فرض که ضعف سندی هم

۱. ابن تیمیه می گوید: «تعدد الطرق و کثرتها یقوی بعضها بعضا حتی قد یحصل العلم بها و لو کان الناقلون فجارا فساقا»: زیادی و تعدد طرق نقل حدیث برخی، برخی دیگر را تقویت می کند تا اینکه علم به صدور آن حدیث حاصل می شود؛ اگر چه راویان آن فاسق و فاجر باشند. (ابن تیمیه، ۱۴۲۵ق، ۱۸: ۲۶). بدرالدین عینی نیز در شرح صحیح بخاری می نویسد: «و قال النووی فی (شرح المذهب): ان الحدیث اذا روی من طرق و مفرداتها ضعیف یتحتج به، علی أنا نقول: قد شهد لمذهبنا عدة احادیث من الصحابة بطرق مختلفة كثيرة یقوی بعضها بعضا و ان كان كل واحد ضعيفا: نووی در شرح مذهب گفته است اگر روایتی با سندهای گوناگون نقل شود ولی برخی از راویان آن ضعیف باشند باز هم به آن احتجاج می شود افزون بر اینکه ما می گوئیم: تعدادی حدیث از صحابه و از راه های گوناگون نقل شده است که برخی از آن برخی دیگر را تقویت می کنند اگر چه هر یک از آن احادیث ضعیف باشند. (عینی، بی تا، ۳: ۳۰۷). آلبانی هم در کتاب «إرواء الغلیل» شبیه همین تعبیر را دارد: «ومن المقرر في علم المصطلح أن الطرق يقوي بعضها بعضا إذا لم

داشته باشد ضعف آن جبران می‌شود. بنابراین از بررسی سند طرق حدیث، خودداری می‌شود.<sup>۱</sup>

اگر کسی این اشکال را وارد کند که خودداری بخاری و مسلم از نقل این روایت، می‌تواند یکی از دلائل ضعف آن باشد؛ چرا که برخی اهل سنت بسیاری از روایاتی را که در فضائل و امامت علی علیه السلام نقل شده، به این دلیل که بخاری و مسلم آن را نیاورده‌اند، رد می‌کنند.<sup>۲</sup>

در پاسخ می‌گوییم این اشکال وارد نیست؛ زیرا نویسندگان این دو کتاب ادعا نکرده‌اند که فقط احادیثی که ما نقل کرده‌ایم صحیح است و هر آنچه در این دو کتاب نیامده باشد ضعیف و فاقد اعتبار است؛ بلکه به صراحت اعتراف کرده‌اند که فقط بخشی از احادیث صحیح را در کتاب‌های شان آورده‌اند. ابن حجر در فتح الباری می‌نویسد: بخاری به صراحت گفته است: «هر چه در این کتاب نقل کرده‌ام صحیح است اما روایات صحیحی که نیاورده‌ام از آنها بیشتر بوده است». وی با چند واسطه از بخاری نقل می‌کند که می‌گفت: «من در کتاب جامع خود فقط احادیث صحیح را آورده‌ام و برخی احادیث صحیح را هم نیاورده‌ام تا این کتاب طولانی نشود» (ر. ک: عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ۱: ۷).

۱. یکن فیها متهم كما قرره النووي في تقریبه ثم السیوطي في شرحه وعلیه فالنفس تظمن لصحة هذا الحدیث» (البانی، ۱۴۰۵ق، ۱: ۱۶۰ و ۱۶۱).

۲. برای آگاهی بیشتر از سند طرق این روایت و ضعف آن‌ها، ر. ک: میلانی، بی تا: ۴۵۱؛ طیبی، ۱۳۹۰ش، ۱۷۳. نکته: یکی از اشکالاتی که برخی در نقد این حدیث مطرح کرده‌اند، جعلی دانستن آن از سوی برخی از عالمان اهل سنت مثل خطیب بغدادی، ابن جوزی و سیوطی می‌باشد (موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)، گروه پاسخ به شبهات، بی تا). به نظر می‌رسد که این اشکال وارد نباشد؛ زیرا این عبارت خطیب «هذا حدیث موضوع» که به آن استناد می‌شود، در خصوص حدیث «ابوبکر و عمر سیدا کهول اهل الجنة» نیست، بلکه ذیل حدیث مفصلی می‌باشد که عبارت «فانهما سیدا کهول اهل الجنة» در ضمن آن ذکر شده است. چرا که خطیب همین حدیث «سیدا کهول اهل الجنة» را در جاهای دیگر کتابش نقل کرده و درباره مجعول بودنش چیزی نگفته است. ابن جوزی و سیوطی هم همین حدیث مفصل را از خطیب بغدادی آورده و از مجعولات دانسته‌اند که ارتباطی به خصوص حدیث «ابوبکر و عمر سیدا کهول اهل الجنة» ندارد. ر. ک: خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ۱۲: ۷۸؛ ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۱: ۳۹۸؛ سیوطی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۳۴۶.

۲. به عنوان نمونه؛ ابن تیمیه در کتاب منهاج السنة النبویة در قسمت اول روایت «من كنت مولاة فعلي مولاة» شك و تردید کرده و می‌نویسد: «اگرچه حدیث موالات، «من كنت مولاة فعلي مولاة»، را ترمذی و احمد بن حنبل نقل کرده‌اند، ولی این جمله در صحاح نیامده است. به همین جهت، مردم در صحت آن اختلاف کرده‌اند؛ به‌ویژه آنکه اشخاصی مثل بخاری، ابراهیم حربی و طائفه‌ای از اهل علم در این حدیث طعن وارد کرده‌اند. ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ۷: ۳۱۹.

بنابراین، این نقل‌ها و بسیاری از نظرات مشابه راجع به صحیح مسلم و صحیح بخاری، نشان می‌دهد که این ادعا که «هر آنچه بخاری و مسلم ذکر نکرده باشند اعتبار ندارد»، ادعایی است که بسیاری از علمای اهل سنت نیز آن را قبول ندارند.

#### ۴. استدلال به حدیث بر خلافت ابوبکر

برخی از عالمان اهل سنت، برای اثبات خلافت ابوبکر و عمر به دلیل افضلیت استدلال کرده‌اند. و استدلال ایشان در قالب قیاس اقترانی شکل اول چنین است: صغری: ابوبکر افضل الناس است. کبری: هر کسی که افضل الناس باشد امام است. نتیجه: ابوبکر امام است.

یکی از ادله آنان بر افضلیت ابوبکر حدیث «سَيِّدًا كَهْلًا اَهْلًا الْجَنَّةِ» است.<sup>۱</sup> فخرالدین رازی (رازی، ۱۹۸۶م، ۲: ۲۹۲)، سیف‌الدین آمدی (آمدی، ۱۴۲۳ق، ۵: ۲۶۴)، عضدالدین ایچی (ایچی، ۱۳۲۵ق، ۸: ۳۶۶) و سعدالدین تفتازانی (تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۲۹۲) از جمله افرادی هستند که برای اثبات افضلیت ابوبکر به این روایت استناد کرده‌اند.

#### ۵. بررسی و نقد استدلال

##### ۵-۱. تفرّد نقل اهل سنت

این حدیث تنها از طریق اهل سنت نقل شده و در مقابل شیعه و روایات مربوط به افضلیت امام علی عليه السلام که از طریق فریقین نقل شده، معارض نبوده و قابل احتجاج نمی‌باشد. به عبارت دیگر دلیل معارض وقتی محقق می‌شود که آن روایت از طریق فریقین نقل شده باشد (ر. ک: میلانی، ۱۳۸۶ش، ۳: ۲۲۵).

##### ۵-۲. ناسازگاری با روایات جوان بودن اهل بهشت

این روایت با روایات متعددی که بر جوان بودن اهل بهشت دلالت دارند، ناسازگار است؛ زیرا بر اساس روایات فریقین که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است، اهل بهشت جوان‌اند.

بسیاری از بزرگان اهل سنت مانند: ابن سعد (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ۱: ۳۲)، ابن ابی شیبیه (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ق، ۷: ۳۵)، احمد بن حنبل (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق،

۱. برای آگاهی از دیگر ادله آنان و بررسی و نقد آنها ر. ک: شوشتری، ۱۳۶۷ق، ۲: ۳.

۱۳: ۳۱۵، دارمی (دارمی، ۱۴۱۲ق، ۳: ۱۸۶۶)، ترمذی (ترمذی، ۱۳۹۵ق، ۴: ۶۸۲)، ابن ابی الدنيا (ابن ابی دنیا، بی تا، ۱: ۴۳)، طبرانی (طبرانی، بی تا، ۵: ۳۱۸)، هیثمی (هیثمی، ۱۴۱۴ق، ۱۰: ۳۹۸)، سیوطی (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۴۸)، نقل کرده‌اند که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «يَدْخُلُ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ جُرْدًا مُرْدًا مُكَتَلِينَ أَبْنَاءَ ثَلَاثِينَ أَوْ ثَلَاثٍ وَثَلَاثِينَ سَنَةً»: اهل بهشت، داخل بهشت می‌شوند؛ در حالی که در هیئت جوانی بی مو هستند و چشم‌هایشان سرمه کشیده و سی یا سی و سه ساله هستند.

حدیث جوان بودن اهل بهشت مورد قبول بسیاری از بزرگان اهل سنت می‌باشد. ترمذی آن را حسن غریب دانسته است (ترمذی، ۱۳۹۵ق، ج: ۶۸۲). دارمی بعد از نقل حدیث «أَهْلُ الْجَنَّةِ شَبَابٌ، جُرْدٌ، مُرْدٌ، كُحْلٌ، لَا تَبْلَى ثِيَابَهُمْ، وَلَا يَفْنَى سَبَابُهُمْ» می‌نویسد: «إسناده حسن» (دارمی، ۱۴۱۲ق، ۳: ۱۸۶۶) ابن ابی حاتم در علل الحدیث می‌گوید از پدرم درباره صحت این حدیث پرسیدم، گفت صحیح است (رازی، ۱۴۲۷ق، ۵: ۵۰۳)، ضیاء الدین مقدسی بعد از نقل حدیث می‌گوید: «إسناده صحیح» (مقدسی، ۱۴۲۰ق، ۷: ۲۶۵)، هیثمی نیز می‌نویسد: اسناده جید (هیثمی، ۱۴۱۴ق، ۱۰: ۳۹۸). ابن حجر هیثمی (هیثمی، بی تا، ۱: ۵-۶)، شوکانی (شوکانی، بی تا، ۲: ۶۷۸)، البانی (البانی، ۱۴۲۱ق، ۳: ۴۹۱؛ همان، ۱۴۱۵ق، ۶: ۱۲۲۴) نیز به صحت حدیث جوان بودن اهل بهشت تصریح کرده‌اند.

### ۳-۵. ناسازگاری با روایت «الحسن و الحسين سيّدا شباب أهل الجنة»

این حدیث با حدیث معتبر «الحسن و الحسين سيّدا شباب أهل الجنة»، ناسازگار است. سند این حدیث صحیح و بلکه متواتر است.<sup>۳</sup>

۱. رجل أجرد یعنی مرد بی موی یا کم مو. ر. ک: ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۱: ۴۵۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۱۹۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳: ۱۱۵؛ ابن اثیر می‌نویسد: الأجرد الذي ليس على بدنه شعر، و لم يكن كذلك، و إنما أراد به أن الشعر كان في أماكن من بدنه، كالمسربة، و الساعدين، و الساقين. ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ۱: ۲۵۶.

۲. رجل أجرد یعنی جوانی که موی بر چهره ندارد و ریش او نرویده است. ابن فارس می‌نویسد: «الأمرد: الشاب لم يبد له لحيته» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۵: ۳۱۷). ر. ک: جوهری، ۱۳۷۶ق، ۲: ۵۳۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۷۶۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳: ۴۰۱؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ۲: ۵۶۸.

۳. حاکم نیشابوری گفته است: هذا حدیث قد صح من أوجه كثيرة وأنا أتعجب أنهما لم يخرجاه (نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۳: ۱۸۲)؛ مناوی در کتاب فیض القدير و التيسير بشرح الجامع می‌گوید: «وهذا الحدیث مروی عن عدة من الصحابة من طرق كثيرة ولذا عده الحافظ السيوطي من المتواترات» (مناوی، ۱۳۵۶ق، ۷: ۱۹؛ همان، ۱۴۰۸ق، ۱: ۵۰۷). البانی در کتاب «سلسلة الاحاديث الصحيحة» می‌نویسد: وبالجملة فالحدیث صحیح بلا ريب بل هو متواتر كما نقله المناوي (البانی، ۱۴۱۵ق، ۲: ۴۳۱)؛ عیبی در الحجة و النار می‌گوید: «ثبت ذلك من طرق كثيرة تبلغ درجة التواتر» (الاشقر العیبي، ۱۴۱۸ق، ۱: ۲۰۹)؛ کنانی (کنانی، بی تا، ۱: ۱۹۶) و مبارکفوری (مبارکفوری، بی تا، ۱: ۱۷۸) به متواتر بودن این حدیث تصریح کرده‌اند.

با توجه به اقوی بودن سند این حدیث بر حدیث مورد بحث (بر فرض صحت سند آن) و نیز سازگاری آن با روایات دالّ بر این که اهل بهشت جوان می‌باشند، بر حدیث مزبور مقدم خواهد بود (علم الهدی، ۱۴۱۰ق، ۳: ۱۰۷؛ طوسی، ۱۳۸۲ش، ۳: ۲۱۹؛ مقداد، ۱۴۲۲ق: ۴۰۳؛ اسکافی، ۱۴۰۲ق: ۲۰۶).

برخی از عالمان اهل سنت برای حل دو اشکال مزبور گفته‌اند مراد از «سیدا کهل اهل الجنة»، سروری ابوبکر و عمر برای کسانی است که در سن پیری از دنیا رفته و اهل بهشت هستند (مناوی، ۱۴۰۸ق، ۱: ۱۸؛ قاری، ۱۴۱۲ق، ۹: ۳۹۱۳؛ مبارکفوری، بی تا، ۱۰: ۱۰۳).

تاویل مزبور مشکل تعارض را حل نمی‌کند؛ زیرا وقتی مطابق روایات جوان بودن اهل بهشت، همه اهل بهشت جوان هستند و به مقتضای روایت «سیدا شباب اهل الجنة»، امام حسن و امام حسین علیهما السلام سید و سرور تمام کسانی هستند که وارد بهشت می‌شوند، این شامل ابوبکر و عمر و هر کسی که پیر از دنیا رفته است، نیز می‌باشد. ولی مدلول روایت «ابوبکر و عمر سیدا کهل اهل الجنة»، این است که ابوبکر و عمر، سید امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیز باشند؛ زیرا این دو بزرگوار در سن کهولت از دنیا رفته‌اند. بنابراین، با تاویل مزبور مشکل تعارض حل نخواهد شد (علم الهدی، ۱۴۱۰ق، ۳: ۱۰۷؛ طوسی، ۱۳۸۲ش، ۳: ۲۲۲ و ۲۱۹؛ مقداد، ۱۴۲۲ق: ۴۰۳؛ اسکافی، ۱۴۰۲ق: ۲۰۶).

توجیه دیگری که برای حل تعارض مزبور گفته شده این است که در روایت «الحسن و الحسين سیدا شباب اهل الجنة»، مراد این است که حسن و حسین علیهما السلام سید اهل بهشت از جوانان دنیا هستند که در این صورت تناقض بر طرف می‌شود؛ یعنی ابوبکر و عمر سید اهل بهشت از پیران دنیا هستند و امام حسن و امام حسین علیهما السلام سید اهل بهشت از جوانان دنیا می‌باشند.<sup>۱</sup>

این توجیه به دلایل زیر پذیرفته نیست:

اولاً: این احتمال، تأویلی بدون قرینه و شاهد است و چون همه بهشتیان شباب هستند و روایت سیدا شباب اهل الجنة موافق ظاهر روایات جوان بودن اهل بهشت است، نیازی به تاویل نیست (اسکافی، ۱۴۰۲ق: ۲۰۶).

ثانیاً: «سید» به معنی افضل است، و «سیدا شباب» یعنی افضل جوانان، و کسانی

۱. مناوی در التیسیر بشرح الجامع الصغیر می‌گوید: «سیدا شباب اهل الجنة أي من مات شاباً في سبيل الله من اهل الجنة إلا ما خص بنبیل» (مناوی، ۱۴۰۸ق، ۱: ۲۲).

که بینشان تفاضل برقرار می‌شود، باید جوان باشند. بنابراین بایستی خود امام حسن و امام حسین علیهما السلام هم جوان باشند تا تعبیر «سیدا شباب» و مقایسه بین آن دو و سایر جوانان صحیح باشد. در حالی که امام حسن و امام حسین علیهما السلام نه در هنگام صدور روایت جوان بودند<sup>۱</sup> و نه در هنگام شهادت جوان بودند.

ثالثاً: اگر امام حسن و امام حسین علیهما السلام سید اهل بهشتی باشند که در دنیا جوان بودند، لازم می‌آید سید تمام اهل دنیا (جوان و میان سال و پیر مرد) که بهشتی هستند، باشند زیرا همه آنها در دوره ای جوان بودند. پس هم خود ابوبکر و عمر را شامل می‌شود و هم کهولی را که ابوبکر و عمر سید آنها بودند. از طرفی، وقتی امام حسن و امام حسین به سن کهولت رسیدند داخل افرادی بودند که ابوبکر و عمر سید آنها بودند. پس تناقضی کماکان باقی خواهد ماند و روایتی که متفق علیه بوده و از جهت سند و دلالت اقوی باشد ترجیح دارد و آن روایت «الحسن و الحسين سیدا شباب اهل الجنة» می‌باشد (علم الهدی، ۱۴۱۰ق، ۳: ۱۰۷؛ طوسی، ۱۳۸۲ش، ۳: ۲۲۲).

رابعاً: در برخی از نقل‌های روایت «سیدا شباب اهل الجنة»، حضرت علی علیه السلام با عبارت «و ابوهما خیر منهما» (ابن ماجه، بی تا، ۱: ۴۴؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۳۹)<sup>۲</sup>، استثناء شده است و این نشان می‌دهد که مراد، سیادت بر جوانان در بهشت است نه در دنیا. چون در آنجاست که امام علی، امام حسن و حسین علیهما السلام همگی بهشتی و جوان اند و امام حسن و حسین علیهما السلام بر همه آنان سیادت دارند، جز حضرت علی علیه السلام که با «ابوهما خیر منهما» و پیامبر که با «أنا سید ولد آدم» مستثنی می‌باشند. اگر شباب در دنیا مورد نظر بود، استثناء حضرت علی علیه السلام معنا نداشت، چون حضرت جوان نبود (ر. ک: فتوحی، ۱۳۹۱ش: ۴۹-۷۲).

#### ۴-۵. ناسازگاری با ادله افضلیت امام علی علیه السلام

این روایت با ادله‌ای که بر افضلیت امام علی علیه السلام دلالت دارند، مانند: آیه تطهیر<sup>۳</sup>، آیه مباهله<sup>۴</sup> و روایات مربوط به آن (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۶۸؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ۸:

۱. زیرا در زمان صدور روایت، کم‌تر از ده سال داشتند و در سن جوانی نبودند.  
 ۲. حاکم نیشابوری بعد از نقل این حدیث می‌نویسد: «هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ يَهْدِيهِ الرَّيْثَانِيُّ» (نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۳: ۱۸۲)؛ ذهبی نیز در تلخیص مستدرک این حدیث را صحیح دانسته است (ذهبی، ۱۳۴۱ق، ۳: ۱۶۷).  
 ۳. ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳).  
 ۴. ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَآبَاءَكُمْ وَنَسَاءَنَا وَنَسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ (آل عمران: ۶۱).



۲۴۷؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۱۲-۱۱۵؛ شافعی، ۱۴۱۹ق: ۴۸-۴۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۳۹؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۱۵۵)، حدیث کساء (بحرانی، ۱۴۲۲ق، ۳: ۲۲۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۵: ۱۹۸؛ بن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۶: ۳۶۵-۳۶۹)، حدیث طیر (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ۷: ۸۲؛ موصلی، ۱۴۰۴ق، ۷: ۱۰۵؛ نسائی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۲۹؛ نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۳: ۱۴۱؛ عبدالجبار، ابوالحسن بن احمد، ۱۹۶۲م، ۲۰ (امامت ۲): ص ۱۲۲) و حدیث ثقلین (نیشابوری، بی تا، ۴: ۱۸۷۳؛ نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۳: ۱۱۸؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۸۵؛ ترمذی، ۱۳۹۵ق، ۴: ۵۰۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۲۶۹)؛ که هم در کتب روایی شیعه و هم در کتب روایی اهل سنت به نحو متواتر نقل شده است، ناسازگارند. بنابراین با روایت «سیدا کهل اهل الجنة» نه تنها نمی توان بر شیعه احتجاج کرد، بلکه خود اهل سنت نیز نمی توانند با این روایت بر افضلیت ابوکر استدلال کنند؛ چرا که روایاتی که خود اهل سنت بر افضلیت علی علیه السلام نقل کرده اند، از نظر سند و دلالت اقوی هستند، و در صورت تعارض، ترجیح با روایاتی است که از نظر سند و دلالت اقوی می باشند (ر. ک: طوسی، ۱۳۸۲ش، ۳: ۲۱۹).

### نتیجه

روایت «أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ سَيِّدَا كَهْلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» بر فرض صحت سند، قابل پذیرش نیست؛ زیرا صحت سند شرط لازم بوده و شرط کافی نیست. این حدیث با اشکالات اساسی دلالتی روبرو است. تفرد نقل اهل سنت، تعارض با روایات صحیح و متواتری مثل جوان بودن اهل بهشت، روایت «الحسن و الحسين سیدا شباب أهل الجنة» و روایات افضلیت امیرالمومنین علی علیه السلام از مهم ترین اشکالات دلالتی آن به شمار می روند.

## فهرست منابع

١. قرآن كريم
٢. ابن ابى دنيا، أبوبكر عبدالله بن محمد، بى تا، *صفة الجنة*، تحقيق عمرو عبدالمنعم سليم، قاهره، مكتبة ابن تيمية.
٣. ابن ابى شيبة، أبو بكر، ١٤٠٩ق، *مصنف ابن ابى شيبة*، تحقيق كمال يوسف الحوت، رياض، مكتبة الرشد.
٤. ابن اثير، مبارك بن محمد، ١٣٦٧ش، *النهاية فى غريب الحديث و الأثر*، قم، موسسه مطبوعاتي اسماعيليان.
٥. ابن أعرابي، احمد بن محمد، ١٤١٨ق، *معجم ابن الأعرابي*، تحقيق عبد المحسن بن إبراهيم بن أحمد الحسيني، المملكة العربية السعودية، دار ابن الجوزي.
٦. ابن بشران، عبدالملك بن محمد، ١٤١٨ق، *أمالى ابن بشران*، رياض، دار الوطن.
٧. ابن تيميه، أحمد بن عبدالحليم، ١٤٠٦ق، *منهاج السنة النبوية فى نقض كلام الشيعة القدرية*، تحقيق محمد رشاد سالم، بى نا، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.
٨. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، ١٤٢٥ق، *مجموع فتاوى شيخ الإسلام أحمد بن تيمية*، مدينه منوره، وزارة الشؤون الإسلامية و الأوقاف و الدعوة و الإرشاد.
٩. ابن جوزي، عبدالرحمن بن على، ٣٨٦ق، *الموضوعات*، تحقيق عبد الرحمن محمد عثمان، المدينة المنورة، المكتبة السلفية.
١٠. ابن سعد، محمد بن سعد، ١٩٦٨م، *الطبقات الكبرى*، تحقيق احسان عباس، بيروت، دار صادر.
١١. ابن عساکر، على بن الحسن، ١٤٢١ق، *معجم ابن عساکر*، تحقيق وفاء تقى الدين، دمشق، دارالبشائر.
١٢. ابن فارس، احمد، ١٤٠٤ق، *معجم مقاييس اللغة*، قم، مكتب الاعلام الاسلامي.
١٣. ابن كثير، اسماعيل بن عمرو، ١٤١٩ق، *تفسير القرآن العظيم*، تحقيق محمد حسين شمس الدين، بيروت، دار الكتب العلمية.
١٤. ابن ماجه، أبو عبدالله محمد بن يزيد القزويني، بى تا، *سنن ابن ماجه*، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، بى نا، دار إحياء الكتب العربية.
١٥. ابن منظور، محمد بن مكرم، ١٤١٤ق، *لسان العرب*، بيروت، دار صادر.
١٦. ابى شيخ اصفهاني، عبد الله بن محمد، ١٤١٧ق، *ذكر الأقران وروايتهم عن بعضهم بعضا*، تحقيق مسعد السعدني، بى نا، دار الكتب العلمية.
١٧. احمد بن حنبل، ابو عبدالله، ١٤٠٣ق، *فضائل الصحابة*، تحقيق وصى الله محمد عباس،

- بيروت، مؤسسة الرسالة.
١٨. احمد بن حنبل، ابو عبدالله، ١٤٢١ق، *مسند احمد*، تحقيق شعيب الأرنؤوط، بي نا، مؤسسة الرسالة.
١٩. اسكافي، ابو جعفر، ١٤٠٢ق، *المعيار و الموازنة*، بيروت، بي نا.
٢٠. الأشقر العتيبي، عمر بن سليمان، ١٤١٨ق، *الجنة والنار*، اردن، دار النفائس.
٢١. أمدي، سيف الدين، ١٤٢٣ق، *أبكار الأفكار في أصول الدين*، تحقيق احمد محمد مهدي، قاهره، دار الكتب.
٢٢. ايحي، مير سيدشريف، ١٣٢٥ق، *شرح المواقف*، تصحيح بدرالدين نعساني، قم، منشورات الشريف الرضي.
٢٣. الباني، محمد ناصرالدين، ١٤٠٥ق، *إرواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل*، بيروت، المكتب الإسلامي.
٢٤. الباني، محمد ناصرالدين، ١٤١٥ق، *سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها*، رياض، مكتبة المعارف.
٢٥. الباني، محمد ناصرالدين، ١٤٢١ق، *صحيح الترغيب والترهيب*، رياض، مكتبة المعارف.
٢٦. بحراني، سيد هاشم، ١٤٢٢ق، *غاية المرام و حجة الخصام في تعيين الإمام من طريق الخاص و العام*، تحقيق سيد علي عاشور، بيروت، مؤسسة التأريخ العربي.
٢٧. ترمذي، ابو عيسى محمد، ١٣٩٥ق، *سنن الترمذي*، تحقيق احمد محمد شاكر، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
٢٨. تفتازاني، سعدالدين مسعود بن عمر، ١٤٠٩ق، *شرح المقاصد*، تحقيق دكتور عبدالرحمن عميره، قم، منشورات الشريف الرضي.
٢٩. جوهرى، اسماعيل بن حماد، ١٣٧٦ق، *الصحاح*، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، بيروت، دارالعلم للملايين، چاپ اول.
٣٠. حسكاني، عبيدالله بن احمد، ١٤١١ق، *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل*، تحقيق محمد باقر محمودي، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامي.
٣١. خطيب بغدادى، ابوبكر احمد بن على، ١٤٢٢ق، *تاريخ بغداد*، بيروت، دار الغرب الإسلامي.
٣٢. دارمي، عبدالله بن عبد الرحمن، ٤١٢ق، *سنن الدارمي*، تحقيق حسين سليم أسد الداراني، المملكة العربية السعودية، دار المغنى للنشر والتوزيع.
٣٣. دولابي، محمد بن احمد، ١٤٢١ق، *الكنى والأسماء*، أبو قتيبة نظر محمد الفارياي، بيروت، دار ابن حزم.
٣٤. ذهبى، شمس الدين، ١٣٤١ق، *المستدرک مع التلخيص* (تلخيص المستدرک)، حيدر آباد، مطبعة مجلس دائرة المعارف النظامية.

٣٥. رازي، ابن ابى حاتم، ١٤٢٧ق، *علل الحديث*، بي نا، مطابع الحميضي.
٣٦. رازي، فخرالدين، ١٤٢٠ق، *مفاتيح الغيب*، بيروت، دار احياء التراث العربي.
٣٧. رازي، فخرالدين، ١٩٨٦م، *الأربعين في أصول الدين*، قاهره، مكتبة الكليات الأزهرية.
٣٨. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، ١٤١٢ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بيروت، دار القلم.
٣٩. زمخشري، محمود، ١٤٠٧ق، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، بيروت، دارالكتاب العربي.
٤٠. سيوطي، جلال الدين، ١٤٠٤ق، *الدر المنثور في تفسير المأثور*، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي.
٤١. سيوطي، جلال الدين، ١٤١٧ق، *الآلء المصنوعة في الأحاديث الموضوعة*، بيروت، دار الكتب العلمية.
٤٢. شافعي، محمد بن طلحة، ١٤١٩ق، *مطالب السؤل في مناقب آل الرسول*، بيروت، مؤسسة البلاغ.
٤٣. شافعي، محمد بن عبدالله، ١٤١٧ق، *الفوائد الشهير بالغيلانيات*، تحقيق حلمي كامل أسعد عبدالهادي، رياض، دار ابن الجوزي.
٤٤. شوشتری، نور الله بن شريف الدين، ١٣٦٧ق، *الصوارم المهرقة في نقد الصواعق المخرقة*، تحقيق جلال الدين حسيني، تهران، مطبة النهضة.
٤٥. شوکانی، محمد بن علی، بی تا، *الفتح الرباني من فتاوى الإمام الشوکانی*، تحقيق أبو مصعب محمد صبحي بن حسن حلاق، صنعاء، مكتبة الجيل الجديد.
٤٦. طبرانی، سليمان بن احمد، ١٤١٥ق، *المعجم الكبير*، تحقيق حمدي بن عبد المجيد السلفي، قاهره، مكتبة ابن تيمية.
٤٧. طبرانی، سليمان بن أحمد، بی تا، *المعجم الأوسط*، تحقيق طارق بن عوض الله بن محمد و عبدالمحسن بن إبراهيم الحسيني، قاهره، دارالحرمين.
٤٨. طيسی، نجم الدين، بی تا، *مناقب الشيخين في التفسير والحديث عرض و نقد*، بقلم الشيخ محمد فريد الأنصاري و الشيخ مهدي الاسفندياري، تهران، دليل ما.
٤٩. طحاوی، ابوجعفر احمد بن محمد، ١٤١٥ق، *شرح مشكل الآثار*، تحقيق شعيب الأرناؤوط، بی نا، مؤسسة الرسالة.
٥٠. طوسى، محمد بن حسن، ١٣٨٢ش، *تلخيص الشافى*، تحقيق حسين بحر العلوم، قم، انتشارات المحبين.
٥١. عبدالجبار، ابوالحسن بن احمد، ١٩٦٢م، *المغنى في أبواب التوحيد والعدل*، تحقيق جورج قنواتي، قاهره، الدار المصرية.
٥٢. عسقلاني، أحمد بن علي بن حجر، ١٣٧٩ق، *فتح الباري شرح صحيح البخاري*، بيروت، دار المعرفة.
٥٣. علم الهدى، سيد مرتضى، ١٤١٠ق، *الشافى في الإمامة*، تحقيق سيد عبدالزهراء

- حسینی، تهران، مؤسسه الصادق علیه السلام.
۵۴. عینی، بدرالدین محمود بن أحمد، بی تا، *عمدة القاری شرح صحیح البخاری*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵۵. فتحی، علی، ۱۳۹۱ش، حدیث «سیدا شباب أهل الجنة» و مسأله *افضلیت امام*، فصلنامه علمی پژوهشی کلام اسلامی، دوره ۲۱، شماره ۸۲.
۵۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت.
۵۷. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، دار الهجرة.
۵۸. قاری، ملا علی بن محمد، ۱۴۲۲ق، *مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح*، بیروت، دار الفکر.
۵۹. کتانی، محمد بن جعفر، بی تا، *نظم المتناثر*، تحقیق شرف حجازی، مصر، دار الکتب السلفية.
۶۰. مبارکفوری، أبو العلا محمد عبدالرحمن، بی تا، *تحفة الأحوذی*، بیروت، دار الکتب العلمية.
۶۱. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، *الإختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرندی، قم، المؤتمر العالمي لالفیة الشیخ المفید.
۶۲. مقداد، فاضل، ۱۴۲۲ق، *اللوامع الإلهیة فی المباحث الكلامیة*، تحقیق و تعلیق شهید قاضی طباطبائی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۶۳. مقدسی، ضیاءالدین محمد بن عبدالواحد، ۱۴۲۰ق، *الأحادیث المختارة*، تحقیق عبد الملك بن عبدالله بن دهیش، بیروت، دار خضر.
۶۴. مناوی، عبدالرؤوف، ۱۳۵۶ق، *فیض القدیر شرح الجامع الصغیر*، مصر، المكتبة التجارية الكبرى.
۶۵. مناوی، عبدالرؤوف، ۱۴۰۸ق، *التیسیر بشرح الجامع الصغیر*، ریاض، مكتبة الإمام الشافعی.
۶۶. مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر علیه السلام، بی تا، گروه پاسخ به شبهات، سوال ۱۰۲۹۹، [http://www.valiasr-aj.tel/show\\_question.php?id۱۰۲۹۹](http://www.valiasr-aj.tel/show_question.php?id۱۰۲۹۹).
۶۷. موصلی، ابو یعلی احمد بن علی، ۱۴۰۴ق، *مسند أبی یعلی*، تحقیق حسین سلیم أسد، دمشق، دارالمأمون للتراث.
۶۸. میلانی، سید علی حسینی، ۱۳۸۶ش، *شرح منهاج الكرامة فی معرفة الإمامة*، قم، مركز الحقائق الإسلامية.
۶۹. میلانی، سید علی حسینی، بی تا، *الإمامة فی أهم الكتب الكلامیة وعقيدة الشیعة الإمامیة*، قم، منشورات الشریف الرضی.
۷۰. نسائی، أحمد بن شعیب، ۱۴۰۶ق، *خصائص أمير المؤمنین علی بن أبی طالب علیه السلام*.

- تحقيق أحمد ميرين البلوشي، كويت، مكتبة المعلا.
٧١. نيشابوري، الحاكم محمد بن عبدالله، ١٤١١ق، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقيق مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية.
٧٢. نيشابوري، مسلم بن حجاج، بی تا، *صحیح مسلم*، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
٧٣. هيثمي، ابن حجر، بی تا، *الفتاوى الحديثية*، بی نا، دار الفكر.
٧٤. هيثمي، علي بن أبي بكر، ١٤١٤ق، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، تحقيق حسام الدين القدسي، قاهره، مكتبة القدسي.

